مفهوم عمل صالح در نظام اخلاقی قرآن

پرفسور سید حسین محمّد جعفری

ترجمه: مینا اسکویی*

چکیده: مسلمانان ادّعا می‌کنند که مفاهیم اخلاقی قرآن، برای همهٔ زمانها و همهٔ مکانها و تمام جوامع، مفید است، در حالی که قرآن در زمان و بافتی خاصّ نازل شده است.

نگارنده برای پیوند میان این دو گزاره، ارزش‌های اخلاقی را به دو گونه ـ اخلاق توصیفی و اخلاق عرفی ـ تقسیم می‌کند. وی کلمات اخلاقیِ ارزیابی‌کننده را «فرا زبان اخلاق» می‌نامد. نویسنده به عنوان نمونه، کلمهٔ «عمل صالح» را بررسی می‌کند و جاودانگیِ آن را نشان می‌دهد.

کلید واژه: قرآن / اخلاق / عمل صالح.

*. کارشناس ارشد زبان و ادبیات انگلیسی.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-30]

دربارهٔ نویسنده*

پرفسور سید حسین محمد جعفری متولد لکهنو در هندوستان دارای دو درجه دکترا می‌باشد. یکی از دانشگاه لکهنو و دیگری از لندن. در خلال سالهای متمادی تدریس که از سال ۱۹۶۲ آغاز شده است. در دانشگاه مالایا در کوالالامپور، دانشگاه آمریکایی بیروت، دانشگاه‌های استرالیا، تدریس کرده‌اند. وی سپس در سال ۱۹۸۳ به عنوان مدیر و بنیانگذار مرکز مطالعات پاکستان به دانشگاه کراچی پیوست و در ۱۹۹۸ از همان دانشگاه بازنشسته شد. سپس به سمت ریاست دفتر مطالعات اسلامی پاکستان در دانشگاه آقاخان در کراچی پیوست. ایشان در کنفرانس‌ها، و سمینارهایی فراوان که در دانشگاه‌های آمریکا، اروپا، آسیا و آفریقا برگزار می‌شد، سفر کرده‌اند.

علاوه بر چاپ کتاب‌ها و مقاله‌های فراوان، ایشان مقالات متعددی را به دائرةالمعارف اسلام در لیدن، دائرةالمعارف جدید جهان اسلام (از منشورات انتشارات آکسفورد)، دائرةالمعارف ادیان جهان و نیز فرهنگ لغت المنجد ارائه داده‌اند.

ایشان در نجف با مرحوم آقابزرگ تهرانی صاحب الذریعه مکرراً ملاقات داشته‌اند و انگلیسی و عربی را به خوبی دانند و فارسی را در حدّ خواندن آشنا هستند.

یکی از ویژگیها و صفات ایشان علاقه دینی و رویکرد شیعی صحیح در مقالات ایشان است.

*. از استاد محقق جناب دکتر محمّدرضا فخر روحانی که اصل مقالهٔ انگلیسی (قبل از چاپ و نشر) و شرح حال نویسنده را در اختیار ما قرار دادند، و نیز از نویسندهٔ دانشور که اجازهٔ نشر ترجمهٔ فارسی این گفتار را به فصلنامهٔ سفینه دادند، سپاسگزاریم. (سفینه)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-30]

مسلمانان بر این باورند که قرآن ـ صرف نظر از مرزهای زمانی، مکانی و جغرافیایی ـ نظام اخلاقی‌ای را برای همه جوامع بشر به ارمغان آورده است. قرآن، خود نیز بارها به این مسئله اشاره می‌کند که اگرچه این پیام از طریق پیامبر اسلام و آن هم به زبان عربی و در زمان و مکان خاص نازل شده، امّا هدف و مخاطب آن همهٔ بشریّت در همه اعصار هستند. بدین منظور می‌توان شواهد مختلفی را در قرآن یافت، مثلاً: *«و ما تو را نفرستادیم مگر بشارت‌دهنده و انذارکنندهٔ همهٔ انسانها»*[1] (سبأ (۳۴) / ۲۸) *«بگو: ای انسانها، به حقیقت من پیامبر خدا به جانب شمایم.»* (اعراف (۷) / ۱۵۸)

چگونه قرآن این ادّعای خود را توجیه می‌کند در حالی که زبانش و نشانه‌هایش و همهٔ کلمات گرانبهایش متعلّق به ساختار زبانی خاصّ و در جامعه‌ای خاصّ در بافت تاریخی و جامعه‌شناختی خاصی است؟ این دقیقاً همان پرسشی است که من خود را مخاطب آن قرار داده‌ام و برای یافتن پاسخ آن به بررسی مفهوم قرآنی عمل صالح پرداخته‌ام. در اینجا توجّه به این نکته ضروری است که عمل صالح در کنار ایمان، پربسامدترین کلماتِ بکار رفته در نظام اخلاقی قرآن است، امّا پیش از آغاز مطالعه معنای این لغت، کاربرد و دامنه‌اش، ملاحظاتی چند مرتبط به طبیعت و ماهیّت کلمات اخلاقی (بطور کلّی) ضروری است.

این حقیقت آشکار است که هیچ مسئلهٔ اساسی در مورد اخلاق را تنها با تکیه بر تفکّر و بدون ارتباط با حقایق موجود ـ که ناشی از تجارب بشر است ـ نمی‌توان بطور رضایت‌بخشی حل کرد. با نگاهی گذرا بر تاریخ نظریه‌های اخلاقی (چه نظریّات غربی و چه شرقی)، که طی ۲۰۰ سال اخیر ارائه شده‌اند، می‌توان به تبیین این مسئله کمک کرد. مسائل بنیادین اخلاقی همیشه از جایگاه‌های پایین ترِ تجارب

۱. از اینکه آیات قرآن در معرفی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، عبارتهایی همچون «کافّة للناس» آورده و بدون محدودیّت زمانی می‌باشد، معلوم می‌شود که مراد خداوند تمامی انسانها تا قبل از قیامت مخاطب بوده و ارسال آن حضرت برای همهٔ انسانها است.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-30]

عملی و حقایق تجربی برخاسته است و دقیقاً در همین نـقطه و در مـیان حـقایق ملموس زندگی بشر در جامعه، بستر معنایی هر عبارت اخـلاقی شکـل مـی‌گیرد. همین حقایق تجربی جوامع مختلف در دوره‌های گوناگون، نظریّات جهانی و کلّی اخلاق را پدید می‌آورد. به همین سـبب، ارزشـهای اخـلاقی بـه دوگـروه تـقسیم می‌شوند: اخلاق توصیفی و اخلاق عرفی.

اخلاق توصیفی یعنی اینکه «مفاهیم اخلاقی» درگروه و یا جامعه‌ای خاصّ و در زمانی و مکانی خاصّ مصداق داشته است.

این نگرش به اخلاق، همچنین به عنوان شاخه‌ای از انسان‌شناسی فرهنگی نیز قلمداد می‌شود که اکنون از آن برای فهم علل رشد وگسترش سنّت‌های مذهبی استفاده می‌شود.

اخلاق عرفی، از سویی دیگر، با اصول کلی سر وکار دارد، با «چه بایدکرد» ها. و دستورالعملی برای تکامل‌بخشیِ صحیح اخلاق و رفتار ارائه می‌دهد. درکنار دو نام ذکر شده، دو عبارت دیگر نیز هستند که به اخلاق توصیفی و اخلاق عرفی اشاره می‌کنند: عبارات اخلاقی اوّلیّه و عبارات اخلاقی تکاملی.

عبارات اخلاقی اوّلیّه نشان‌دهندهٔ کلمات توصیفی‌اند که اشاره به ویـژگی‌های ملموس دارد. منظور ما از عبارات اخلاقی تکاملی، آن کلمات اخـلاقی است کـه هدف وکارکرد اصلی‌شان، گروه‌بندی است تا توصیف.

از این عبارات، اکثراً برای دسته‌بندی موقعیّت‌های توصیفی مـختلف بـه کـار می‌رود که کلمات توصیفی به آن اشاره دارند، مانند خوب، بد و...

در این مفهوم، کلمات اخلاقیِ ارزیابی‌کننده را می‌توان «فرا زبان اخلاق» نامید. البتّه مفهوم و معنای فرا زبان، هنوز بطورکامل و به عنوان یک شاخه از فلسفه بسط نیافته است، امّا برای درک رابطه بین احساسات وکلمات، یا پیوند میان نیّت و عمل بسیار ضروری است.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-30]

دسته‌بندی کلمهٔ اخلاق کمک می‌کند تا قرآن از لحاظ عبارتی (عبارات اخلاقی) بررسی شود، بفهمیم که آیا عبارات توصیفی به عنوان طبیعی قابل استفاده است یا خیر، و اینکه آیا عبارات اخلاقی اوّلیّه، قابل استفاده برای ارزیابی رفتار و اخلاق (بطور کل) هستند.

اگر آنها قابلیت ارتقاء از سطح ملموس به مجرد و انتزاعی و از یک مفهوم خاصّ به مفهومی جامع و جهانی داشته باشند، در این صورت، مفاهیم اخلاقیِ ذکر شده در قرآن را می‌توان به عنوان مفاهیم اخلاقی در همهٔ اعصار و قابل استفاده و اطلاق برای همه جوامع بشری دانست. به این شیوه، مفهوم اخلاقی ارائه شده با قرآن را می‌توان ابتدایی، توصیفی و ملموس دانست؛ تا آنجا که این مفهوم اخلاقی نخستین بار در آنجا (عربستان) مصداق یافته و سپس برای آن چهارچوب و اصول طبیعی بخشید که این مفهوم اخلاقی را قابل اطلاق به همه جوامع و برای همه اعصار کند.

برخی از عبارات اخلاقی قرآن را می‌توان ارزیابی‌کننده دانست تا توصیفی. در این دسته‌بندی، می‌توان از کلماتی مانند معروف و منکر، خیر و شر، حَسَن و سوء، طیب و خبیث، صدق و کذب، عدل و ظلم، فساد و برّ، احسان و تقوی نام برد. بنابراین کلماتی مانند خیر و شر (خوب و بد) برای مثال، و یا کلماتی که به معنای گناه است مانند ذنب و اثم را می‌توان در ماهیّت وکارکرد، ارزیابی‌کننده دانست تا توصیفیِ محض. با این همه، آنها نمی‌توانند دسته‌بندی‌شده باشند، مگر اینکه از مرحلهٔ توصیفی (و مرحلهٔ خاصّی که در آن، گروه‌های خاصّی تحت این کیفیّت و ویژگی) و یا آن کیفیّت طبقه‌بندی می‌شوند گذراند.

به همین دلیل، مکانیزم حقیقی الگوی اخلاقی قرآنی در مفهوم عبارات اوّلیّه اخلاقی قابل تعریف است. این‌ها کلمات توصیفی‌اند که برای انتقال یک ویژگی حقیقی قابل استفاده‌اند، امّا برخلاف کلمات توصیفی رایج و معمول، آنها معنایی

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-30]

بیش از مفهوم توصیفی و یا حقیقی خود و فراتر از آن را منتقل می‌کنند. به این دلیل، آن مفاهیم را مفهوم ارزیابی‌کننده می‌دانیم.

برای مثال، کلمهٔ کفر را در نظر بگیرید. همانطور که می‌دانید، یکی از مهمترین عبارات و واژگان اخلاقی در قرآن همین واژهٔ کفر است. این واژه، به معنای ناسپاسی در برابر نعمتِ دریافت شده است. بدین سان، این معنا، واژهٔ توصیفی اصلی است که دارای معنا و محتوای صِرفاً واقعی و ملموس است. با این حال، آشکار است که این واژه، مفهومی ارزیابی‌کننده را در خود دربرگرفته و آن را چیزی فراتر از یک واژهٔ توصیفی گردانیده است. این معنای ارزیابی‌کننده یا معانی حاشیه‌ای آن است که واژهٔ کفران را تبدیل به واژه‌ای اخلاقی و اصلی با ویژگی‌های طبیعی می‌کند. مقایسهٔ این لغت با سایر لغات ـ مانند «ذنب»، که به لایهٔ دیگری از موارد فرا زبانی تعلّق دارد ـ به سادگی به تأیید آن می‌پردازد.

در پرتو آنچه تاکنون بیان کردیم، می‌توانیم به توصیف قرآنی عمل صالح بپردازیم. هیچ واژه‌ای به خوبی «صالح» با مفهوم قرآنی «خوبی اخلاقی» در هر دو مفهوم توصیفی و طبیعی آن وجود ندارد. این واژه یکی از متداول‌ترین واژه‌های به‌کار رفته در قرآن با مفهوم کمال اخلاقی است.

واژهٔ صالح معمولاً در زبان انگلیسی به عنوان «درستکاری» یا «تقوا» ترجمه می‌شود که تنها بخشی از معنای گستردهٔ این کلمه را در برمی‌گیرد. این ترجمه، حتّی معنی خاصّ متنی راکه این لغت در آن استفاده شده، محدود می‌کند. صالح از ریشهٔ عربی «صَلَحَ» گرفته می‌شود. این لغت، معنایی در بر دارد فراتر و پرکاربردتر از آنچه مترجمان برای آن به عنوان مترادف برگزیده‌اند. ما معمولاً آن را به معنای «خوب بودن»، «صادق بودن»، «مفید بودن»، «متناسب بودن» یا «خاصّ بودن»، و یا «با تقوا بودن و پاکدامن بودن» ترجمه می‌کنیم. مثلاً در زبان عربی، عبارتی مانند **«هو صالح لکذا»** یعنی این برای آن متناسب است، «صالح» یعنی چگونگی کیفیت یک فرد یا

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-30]

عمل یک فرد مثلاً «رجل صالح»، یعنی: یک مرد خوب، و یا «عمل صالح»، یعنی: یک عمل درست و مناسب.

بنابراین، برای تعریف اعمال انسان، اعمال (مفرد آن عمل است) در معنای مثبت و قابل تحسین، قرآن همیشه از لغت صالح برای کیفی کردن این صفت استفاده کرده است. امّا از آنجا که عمل همواره در پی خود، کیفیت جدایی‌ناپذیر صالح را دارد، واژگان ترکیبی «عمل صالح» همیشه از جانب خود یک ویژگی ذهنی دارد که بدون آن هیچ عملی را نمی‌توان صالح شمرد. ضرورت آن ویژگی، همان است که قرآن، ایمان یا اعتقاد به خدا می‌داند. بنابراین، باید به دقّت توجّه داشت که قرآن همیشه ایمان را درکنار عمل صالح جای داده و در واقع آنها یک واحد و ترکیب جدایی‌ناپذیرند. همانگونه که سایه همواره با شیء است، پس هرجا ایمان باشد، پسوند صالحات یا اعمال نیک نیز در پی آن خواهد بود. همین‌گونه می‌توان اوّلی را براساس دومی و دومی را براساس اوّلی تعریف کرد.

بطور خلاصه، «صالحات» عقایدی هستند که بطور کامل در رفتار خارجی نمود می‌یابند. بنابراین، ترکیب کیفی عبارت «**الذین آمنوا و عملوا الصالحات**»، یکی از پرکاربردترین واژگان بکار رفته در قرآن است. «*آنها که ایمان دارند*»، نه تنها ایمان‌آورندگان‌اند بلکه ایمان درونی خود را در عمل مناسب و رفتار مناسبی بروز می‌دهند که شایستهٔ اطلاق واژهٔ صالح باشند. و «*آنها که عمل صالح انجام دادند*»، یعنی اعمال آنها صالح نخواهد بود، مگر اینکه در هماهنگی کامل و مطابقت با یقین به حقیقت جاودان و محض یعنی خداوند باشند.

واژهٔ «صالح» در ذات خود، تقسیم‌پذیر است و واژه‌ای صُلب نیست. بنابراین کارکرد حقیقی آن، صحّه گذاردن بر کارهایی است که باید انجام پذیرد. بنابراین، قرآن برای ایجاد و ارائهٔ چهارچوبی برای اعمال صالح که مفید فایده برای فرد و جامعه باشد ـ چه در این دنیا و چه در جهان آخرت ـ واژگانی با ارزش منفی و مثبت

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-30]

آورده که قابل مصداق برای اعمال خوب و یا بد باشد. این واژگان با در نظرگرفتن محتوای معنایی و بافت تاریخی خود، جزو واژگان محض طبقه‌بندی می‌شوند. و با توجّه به مفاهیم ارزش‌گذارندهٔ آنها که معنایی و موقعیتی فراتر از بافت تاریخی و معنایی محض خود ارائه می‌کنند، دیگر می‌توان آن را در مقوله واژگان ارزیابی کننده جای داد. امّا از آنجا که واژهٔ صالح تمامی ارزشهای مثبت را در بر دارد، بنابراین ضرورتاً باید واژه‌ای معادل این واژه (واژه‌ای جامع و کامل) برای شمولِ صفات منفی وجود داشته باشد. در حقیقت، معنای حقیقی صالحات در دیدگاه انسانها و رفتار آنها را بدون توجّه به واژه متضادّ آن نمی‌توان دریافت. زیرا همواره درک یک مطلب با لحاظ کردن متضادّ آن، سهل‌تر است.

بنابراین قرآن، دو عبارت جامع و کلّی متضاد را برای اطلاق به صفات و اعمال مطلوب و نامطلوب نشان داده و تحت این دو واژه، تعدادی دیگر از عبارات و واژگان گنجانده شده‌اند. در نگاه کلّی به ویژگی‌های همهٔ اعمال انسانی، قرآن آنها را به دو دستهٔ صالحات و سیّئات تقسیم کرده است.

بنابراین می‌خوانیم که:

آیا می‌پندارند آنان که مرتکب سیّئات شدند، با آنان همانند آنان که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، رفتار خواهد شد، در حیات و در ممات؟ چه بد قضاوت می‌کنند. (جاثیه (۴۵) / ۲۰)

پیداست که اگر معادل «عمل خوب» را برای صالحات برگزینیم، پس برای سیّئات نیز ناگزیر به انتخاب «عمل بد» هستیم. در سراسر قرآن، می‌یابیم که سیّئات در برابر «عمل صالح» آمده است. به این آیه دقّت کنید:

آنان که عمل زشت مرتکب شوند، دقیقاً همان عمل را دریافت خواهند کرد. امّا آنانکه عمل صالح انجام دادند ـ چه زن و چه مرد ـ و به خدا ایمان آوردند، به بهشت وارد خواهند شد و بی‌حساب روزی داده می‌شوند. (غافر (۴۰) / ۴۰)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-30]

در قرآن چنین آیه‌هایی بسیارند که در آنها سیّئات به عنوان واژه‌ای تقسیم‌پذیر بکار رفته که در بر گیرندهٔ تمام وجوه منفی رفتار انسانها می‌شود. (همان طور که واژهٔ صالح به اعمال مثبت اطلاق می‌شود.) تحت عنوان واژگان ارزش‌گذارندهٔ مثبت، می‌توانیم به بحث در مواردی بپردازیم مانند: «معروف»، «خیر»، «حسن»، «طیب»، «صدق»، «عدل»، «برّ»، «احسان»، «تقوی» و مانند آنها؛ همان‌گونه که در جنبهٔ متضادّ آنها دربارهٔ «منکر»، «شر»، «سوء»، «خبیث»، «کذب»، «ظلم»، «فساد» و مانند آنها می‌توانیم سخن گفت.

قرآن، از آغاز تا پایان، به توضیح این واژگان (گاهی به شکل توصیفی) و بیشتر به مفهوم و شکل طبیعی پرداخته است. بنابراین چهارچوبی را برای رفتار انسانها در موقعیّتهای گوناگونی ارائه داده که به آن وسیله، بشر می‌تواند تصمیم بگیرد که چه کاری درست و چه کاری نادرست است. اگرچه مقاله کوتاه پیش‌رو، حتّی برای ذکر نمونه‌هایی از آیاتی که به توصیف این ویژگی‌ها می‌پردازد، مجال نیست. بنابراین، باید تنها بر روی این نکته تمرکز کنیم که در قرآن، واژهٔ عمل صالح به صورت واژه‌ای کلّی آمده است.

به این دلیل، مکانیزم (ساز و کار) قرآن، همان‌گونه که اشاره شد، در تبیین عمل صالح، هم به صورت محض عمل می‌کند و هم توصیفی. از طرف دیگر نیز صورت طبیعی و ارزیابی‌کننده می‌یابد. آیاتی هستند که می‌توان از آنها برای توضیح این نکته بهره برد. برای مثال [«کارهای خوب» با مفهوم محض] در آیات سوره بقره ۸۳ـ ۸۲ آمده است، آنجا که می‌خوانیم:

کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، آنان اهل بهشت‌اند که در آن جاودانه‌اند. و زمانی که از بنی‌اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید، و به والدین و به خویشاوندان و یتیمان و نیازمندان نیکی کنید، و با مردم به خوبی سخن گویید، و نماز برپا دارید، و زکات بدهید. سپس جز

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-30]

اندکی از شما، همگی روی گردانید، در حالی که اعراض می‌کنید. (بقره (۲) / ۸۲ و ۸۳)

در اینجا پنج ویژگی «عمل صالح» با معنای محض (صرفِ عمل صالح) آمده است، که عبارتند از:

الف) عدم پرستش غیرخدا و تنها پرستش خدا

ب) خوش رفتاری و مهربانی با والدین، خویشان نزدیک، یتیمان و نیازمندان

ج) خوش گفتاری (گفتار نیک) با تمامی انسانها

د)اقامهٔ نماز

ه) دادن صدقه

این پنج مصداق عمل صالح، در ذات خود، هم معنای توصیفی و هم معنای محض دارند. از طرفی دیگر نیز معنای ارزیابی‌کننده و طبیعی دارند.

در این آیه نکات بسیار مهمی درج شده که بذل توجه ویژه‌ای را می‌طلبند. ما در اینجا به سه نکته از آنها اشاره می‌کنیم.

اوّل اینکه مخاطب این نصایح، بنی‌اسرائیل بوده‌اند که نشان می‌دهد آنچه که قابل اطلاق به آنها بوده و آن هم هزار سال پیش، اکنون قابل اطلاق به پیروان حضرت محمّدﷺ نیز می‌باشد و همین‌سان برای ملّت‌های آتی نیز قابل اطلاق خواهد بود.

دوم، برای نماز از واژه «صلاة» استفاده شده، عملی که بنی‌اسرائیل انجام می‌دادند. به این معناکه اسلام شیوه‌های عبادی دیگر ادیان را نیز ـ که برای عبادت و به هدف پرستش خدا بود ـ به رسمیّت شناخته است.

سوم، در عبارت «به نیکی با انسانها سخن گفتن»، از عبارت ناس (مردم) بطور کلی استفاده شده و منظور، هیچ گروه مذهبی و عدّهٔ خاصی از مردم نبوده است. کلمهٔ صالح همیشه برای کیفیت سنجی رفتار انسان استفاده نشده است. ما

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-30]

اغلب می‌توانیم آیاتی را بیابیم که کلمه صالح در آن به یک مرد از گروهی خاص اطلاق شده است. آیهٔ ذیل به ما کمک می‌کند تا دریابیم معنای محتوایی و ارزش‌گذاری‌کنندهٔ مفهوم صالح چیست و به ما معنای (کلامی) مرد صالح را نیز می‌دهد.

(گروهی) از اهل کتاب، جمعی بر پا و استوارند که آیات خدا را در لحظات شب تلاوت می‌کنند، در حالی که در سجده‌اند. آنان به خدا و روز جزا ایمان می‌آورند، به معروف امر می‌کنند و از منکر باز می‌دارند، و در خیرات شتاب می‌ورزند. و آنان از صالحان هستند. (آل‌عمران (۳) / ۱۱۳ و ۱۱۴)

در اینجا چهار ویژگی اساسی افراد شایسته که قابلیت اطلاق عنوان صالحان را دارند، آمده است:

الف) خواندن آیات قرآن

ب) ایمان به خدا و روز حساب

ج) امر به معروف و نهی از منکر

د) سعی در سرعت‌گرفتن از یکدیگر درکارهای نیک

درکنار اعتقاد به خدا و روز معاد، از عبارتهایی مانند «معروف»، «منکر» و «خیرات» که در ذات خود واژگانی طبیعی هستند، استفاده شده است. در اینجا البته میسّر نیست که در این‌باره به شرح و تفسیر پردازیم، زیرا این واژگان بدان جهت بکار رفته که برای انسانها، دسته‌بندی‌هایی از خوبی در بافت‌های گوناگون اجتماعی و تاریخی ارائه دهد و مابقی را به وجدان ما واگذارده است. (و تصمیم‌گیری در مورد بافت (مصداق) حقیقی و روزمرهٔ آن را به وجدان انسان وانهاده است.)

کافی است بگوییم که در سرتاسر قرآن، تقریباً در همهٔ متن‌ها (بافت‌ها) می‌توانیم آیاتی را بیابیم که کلی هستند و مصادیق گسترده دارند و در آنها انسانها به دوگروه مختلف (براساس اعمالشان) تقسیم شده‌اند. برای نمونه مثال ذیل:

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-30]

کسانی از اهل کتاب که کافر شدند و مشرکان، در آتش دوزخ جاودانه‌اند. آنان بدترین مردمان‌اند (شرّ البریّة). کسانی که ایمان آوردند و کارهای صالح انجام دادند، آنان بهترین مردمان‌اند (خیر البریّة). (بینه (۹۸) / ۶ و ۷)

در اینجا همه بشریّت به دو دسته یا گروه، براساس معیار کفر و شرک یا ایمان و عمل صالح تقسیم‌بندی شده‌اند. ابتدا آن گروه که بدترین انسانها هستند و دومی که بهترین انسانها هستند.

به این آیه نیز دقّت شود:

کسانی که ایمان آوردند، و یهودیان و مسیحیان و صائبین، کسانی که ایمان به خدا و روز جزا آوردند و کار نیکو کنند، اجر آنها نزد خدایشان محفوظ است، آنان ناامنی و اندوه ندارند. (بقره (۲) / ۶۲)

این آیه نیز یکی از بسیار آیاتی است که در آن، قرآن به صورتی صریح بیان داشته که اعمال صالح تنها با محک ایمان سنجیده می‌شوند و نه با دین و یا گروه‌بندی‌های حزبی. معیار، تنها و تنها ایمان به خداست. قانون الاهی هرگز به سمت و سوی صحّه گذاشتن بر نژاد یا گروه‌های مختلف مذهبی حرکت نکرده و نمی‌کند. شکل خارجی یک عمل می‌تواند از زمانی به زمانی دیگر، از مکانی به مکانی دیگر و از نژادی به نژادی دیگر تغییر کند. امّا اگر آنها تحت کنترل ایمان و یا یقین باشند، آنگاه عمل آنان، صالح است و فردی که عمل صالح انجام می‌دهد، شایستهٔ رستگاری می‌شود. بنابراین تمامی واژگان ارزشی قرآن که به ارزیابی کیفی اعمال انسانی می‌پردازد، چه اعمال نیک و چه زشت، باید در معنای کنایی خود ارزیابی شوند و نه همیشه در معنایِ صرف، اوّلیّه و دایرةالمعارفی خود.

در پایان، به سورهٔ عصر اشاره می‌کنم که در (ترتیب نزول) یکی از نخستین سوره‌های قرآن بود و ویژگی‌های اخلاقی انسان را به تصویر کشیده است.

به نام خداوند بخشایندهٔ بخشایشگر. سوگند به عصر، که انسان همواره در زیان است، مگر کسانی که ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، و به حقّ توصیه کنند و به صبر سفارش کنند. (والعصر (۱۰۳) / ۱ ـ ۳)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-30]

کسی که این سوره را می‌خواند، چه در قرن هفتم میلادی در عربستان و چه اکنون در قرن ۲۱ و بعد از گذر هزاران سال، می‌تواند نیروی طبیعی و ارزیابی‌کنندهٔ آن را دریابد که قابلیت مصداق به هر زمان و هر مکان و هر فرهنگی را دارد.

نتیجه

می‌توان ابرازکرد که شاخص‌های قرآنی در ارزیابی، توان توجیه منطقی دارند، به این معنا که قادرند براساس اصول برتری و ارزشمندتری توضیح داده شوند، اگرچه در درون مرزهای خاصّ و تعریف‌شدهٔ توحید باید گام بردارند.

قرآن به ارائه استاندارد فکری قابل اتکایی از مجموعه قوانینی خاص (به عنوان توصیفی و یا محض) می‌پردازد. این قوانین میان حق با ناحق و درست با نادرست تمایز می‌دهد. معنای کارکردیِ تمامی واژگان ـ که ارزش‌گذاری‌کنندهٔ منفی و مثبت است ـ البتّه از زمانی به زمانی و جامعه‌ای به جامعه‌ای تفاوت می‌کند. امّا مفهوم ذاتی و ریشه‌ای و روح آنها همواره ثابت است. و در نهایت، رستگاری در اعمال صحیح و خوبیها نهفته است. البتّه این اعمال صالح باید در بستهٔ اعتقاد و ایمان به خدا انجام گیرد. و این ایمان، ورای مذاهب و اندیشه‌های گروهی و حزبی است.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-30]